

## **A comparison of family performance and mental health status in pet keeping and non-pet keeping individuals in Isfahan in 2009**

Kajbaf M (PhD)<sup>1</sup>, Keshavarz A (PhD Student)<sup>1\*</sup>, Nouri A (PhD)<sup>1</sup>, Lali M (PhD Student)<sup>1</sup>,  
Soltanizadeh M (PhD Student)<sup>1</sup>

1- Department of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran

Received 6 Apr 2010 Accepted 19 May 2010

---

### **Abstract**

**Background:** Nowadays, many Iranian families, depending on the family members' level of interest, tend to keep pet animals. Psychological studies have rarely dealt with the impact of pets on family performance and individuals' mental health. The purpose of this study was to compare family performance and mental health in individuals who own pets and those who do not.

**Materials and Methods:** In this case-control study, 152 participants (80 pet keeping and 72 non-pet keeping) living in Isfahan were selected through stratified random sampling and completed Family Assessment Device (FAD), General Health Questionnaire (GHQ), and a demographic questionnaire. Data analysis was done through multivariate regression and covariance analysis.

**Results:** The results indicated significant differences between the pet keeping and non-pet keeping groups in terms of anxiety, sleep disorders, relationships, and emotional involvement; therefore, it can be concluded that non-pet keeping individuals have more anxiety and sleep disorder symptoms, whereas pet keeping individuals present more problems in terms of emotional involvement and their relationships ( $p < 0.05$ ).

**Conclusion:** According to the results, it is suggested that in keeping pets, greater attention should be to cultural factors. Also, in some circumstances keeping pets should be recommended for reduction of anxiety and elevation of sense of security and relaxation.

**Keywords:** Family performance, Mental health, Pet

\*Corresponding author:

Email: amir.keshavarz.ir@gmail.com

Address: Department of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran

## مقایسه وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در شهر اصفهان در سال 1388

دکتر محمد باقر کجباف<sup>1</sup>، امیر کشاورز<sup>2\*</sup>، دکتر ابوالقاسم نوری<sup>1</sup>، محسن لعلی<sup>2</sup>، محمد سلطانی زاده<sup>2</sup>

1- دانشیار، دکترای تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران

2- دانشجوی دکترای تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران

تاریخ دریافت 89/1/17، تاریخ پذیرش 89/2/29

### چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه برخی از خانواده‌های ایرانی به تناسب علاقه‌ای که اعضای خانواده به حیوانات خانگی دارند به دنبال نگهداری از حیوانات خانگی هستند. در پژوهش‌های روان‌شناختی به تأثیری که این حیوانات بر روی عملکرد خانواده و سلامت روانی افراد می‌گذارد کمتر پرداخته شده است از این رو هدف از این مطالعه، مقایسه وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روانی در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی بود.

**مواد و روش‌ها:** در این مطالعه مورد-شاهدی، 152 نفر (80 نفر دارای حیوان خانگی و 72 نفر بدون حیوان خانگی) از مردم شهر اصفهان به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به ابزار سنجش عملکرد خانواده، پرسش‌نامه سلامت عمومی و ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل کواریانس انجام گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده اختلاف معنی داری در بین دوگروه دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در خرده مقیاس‌های علائم اضطرابی و اختلال خواب، ارتباط و آمیزش عاطفی بود. لذا چنین نتیجه گرفته شد که افراد بدون حیوان خانگی، علائم اضطرابی و اختلال در خواب بیشتری دارند و افراد دارای حیوان خانگی در زیر مقیاس‌های ارتباط و درگیری عاطفی نسبت به افراد بدون حیوان خانگی مشکلات بیشتری را نشان می‌دهند ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج ذکر شده باید به عوامل فرهنگی در داشتن یا نداشتن حیوان خانگی بیشتر توجه کرد و در موقعیت‌هایی به داشتن حیوان خانگی توصیه نمود که به کاهش اضطراب و افزایش احساس امنیت و آرامش در افراد کمک نماید.

**واژگان کلیدی:** عملکرد خانواده، سلامت روان، حیوان خانگی

\*نویسنده مسئول: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناس

Email: amir.keshavarz.ir@gmail.com

## مقدمه

در واقع خانواده مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نقش را در هر جامعه ایفا می‌کند. بنابراین بسیاری از روانشناسان برآنند تا با دست یابی به عوامل مؤثر بر عملکرد خانواده (Family performance)، سلامت روانی (Mental health) جامعه را تأمین نمایند. عملکرد خانواده به توانایی آن در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است و هرگونه تغییر در آن می‌تواند بر سلامت اعضای خانواده اثر گذار باشد(1). خانواده گروهی از دو یا تعداد بیشتری از افراد می‌باشد که با زمان تولد، ازدواج، سازگاری و باقی ماندن در کنار هم ارتباط دارد. هارتمن خانواده را دو یا تعداد بیشتری از افراد می‌داند که معمولاً با یک تعهد خانوادگی خود را مشخص می‌کنند. در واقع توصیفی که افراد از خانواده دارند متفاوت است و ممکن است بودن با دوستان، هم کلاسی‌ها، افراد هم مذهب و حیوانات خانگی (Pet) را شامل شود(2).

برخی از خانواده‌ها به تناسب علاقه‌ای که عضو یا اعضای از آنها به حیوانات خانگی دارند آنها را در خانه نگهداری می‌کنند. این حیوانات عمدتاً، شامل پرندگان، نظیر کبوتر، طوطی، قناری، مرغ مینا و حیواناتی نظیر سگ و گربه می‌باشند. بر این اساس تغذیه، نگهداری، بهداشت و آموزش این حیوانات از جمله اهدافی است که اعضای این خانواده‌ها در زمان‌های فراغت خود دنبال می‌نمایند.

اکثریت گسترده‌ای از افرادی که حیوان خانگی داشته‌اند اذعان کرده‌اند که خودشان را به عنوان والدین این حیوانات قلمداد می‌کنند(3). تقریباً 75 درصد افراد متأهلی که از آنها در مورد رابطه با حیوان خانگی شان مورد سؤال قرار گرفته‌اند، بیان داشته‌اند قبل از این که با همسرانشان احوالپرسی کنند با حیواناتشان حرف می‌زنند و بیش از نیمی از افراد نیز بیان کرده‌اند که اگر قرار باشد در جزیره‌ای

سرگردان بمانند حیوانات دست آموزشان را به عنوان همدم بر یک انسان دیگر بیشتر ترجیح می‌دهند(4).

همان‌طور که زندگی کردن با افراد خانواده می‌تواند مؤثر باشد تحقیقات نشان داده است که زندگی با حیوانات خانگی می‌تواند برای صاحبان آنها منفعی داشته باشد، مثلاً افزایش شانس زنده ماندن این افراد پس از یک حمله قلبی(5) کاهش ملاقات با پزشکان در سالخوردگی(6) میزان کمتر مشکلات مربوط به خواب و نیز مراجعات کمتر سالانه به پزشک و کمتر بودن مخارج مربوط به مراقبت‌های بهداشتی، کمتر بودن فشار خون سیستولیک و نیز پائین تر بودن سطح کلسترول و تری گلیسرید، و بالاخره این که این افراد در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره خود با مشکلات کمتری رو به رو می‌باشند. علاوه بر این وجود حیوانات خانگی در زندگی افراد با احساس خوشی و شادمانی و بهبود کیفیت زندگی آنها رابطه مثبتی دارد و روند اجتماع‌پذیری را در افراد سرعت می‌بخشد و به زنان مسن کمک می‌کنند که کمتر احساس تنهایی کنند(7، 8).

در مطالعه‌ای دیگر، وجود یک حیوان خانگی در خانواده باعث می‌شد افرادی که همسرشان دچار سرطان پیشرفته و یا طولانی مدت بوده و می‌بایست از او مراقبت می‌کردند سازگاری روان‌شناختی بهتری از خود نشان دهند(9).

هورن و میر بیان می‌دارند که دوست داشتن یک حیوان می‌تواند یک تجربه عمیق باشد و بسیاری از افرادی که حیوان دست آموز داشتند آن را مانند عضوی از خانواده خود و درست مثل بچه‌هایشان توصیف کرده‌اند(10).

اگرچه بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر روی تأثیرات مثبت احساسات عاطفی در مورد حیوانات خانگی متمرکز شده است، اما تعداد معدودی از این تحقیقات نیز نشان داده‌اند افرادی که شدیداً به این حیوانات وابسته هستند، روابط انسانی کمتری دارند. محققین در تحقیقاتشان به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند که ابتدا وابستگی به حیوانات خانگی اتفاق می‌افتد و یا این که ابتدا روابط با دوستان و خانواده کمتر می‌شود(5). با این وجود سیمون به این موضوع

اشاره می‌کند که وابستگی به حیوانات احتمالاً بر روی روابط شخص با دیگران تأثیر منفی خواهد گذاشت (11).

پژوهش‌های مختلفی که در ارتباط با حیوانات خانگی انجام گرفته است نشان داده که این حیوانات بر سلامت فیزیکی و روانی افراد خانواده اثر می‌گذارند. سلامت روان یعنی وضعیتی که در آن کارکرد ذهن رضایت بخش می‌باشد و می‌تواند منجر به بروز فعالیت‌های خلاقانه، روابط اغناء کننده و ایجاد توانائی سازش‌پذیری با تغییرات در شخص گردد. برای حفظ سلامت روان‌شناختی و احساسی شخص، ضروری است که فرد روابط و نیز عملکرد خود را در جامعه حفظ نماید (12).

حیوانات خانگی در خانواده نقش‌های اساسی از قبیل منبعی از عشق بی قید و شرط، راهی برای بیان کردن عشق در افراد، یک مربی برای کودکان، راه گشای روابط اجتماعی و یک دوست را ایفا می‌کنند و از این رو به عنوان ابزاری مهم در حفظ سلامت ذهنی شخص قلمداد می‌شوند (13). در سال 1962 لوینسون با بسط دادن ارزشی که حیوانات برای سلامت شخص خواهند داشت از محیط خانواده به محیط‌های درمانی، حیوان‌درمانی را گسترش داد. در سال 1977 انجمن دلتا، اولین سازمان حرفه‌ای و درون سازمانی‌ای که بر روی پیوند بین انسان و حیوان تمرکز داشت تأسیس شد. در سال 1979 محققین به این نتیجه رسیدند که رابطه بین انسان‌ها و حیوانات دست‌آموز آنها، رابطه‌ای است که از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. در سال 1987 انجمن‌های ملی مربوط به سلامت به بررسی مزایای روابط متقابل بین انسان‌ها و حیوان‌ها پرداختند. در طی این کارگاه، متخصصین زمینه‌های مختلف علمی به این توافق رسیدند که وجود ارتباط بین انسان‌ها و حیوانات می‌تواند برای انسان‌ها مزایایی داشته باشد (14). آلن، بلاسکوویچ و مندرس در تحقیقات خود نشان دادند که حیوانات خانگی می‌توانند جلوی واکنش شخص را در موقعیت‌های استرس‌زای شدید بگیرند و نیز ادراکات شخص را از استرس کاهش دهند. در مطالعه‌ای که توسط این افراد انجام گرفت نشان داده شد اشخاصی که حیوان خانگی

دارند در برابر کارهای ذهنی کمترین واکنش عروق قلبی و سریع‌ترین بهبودی را در حضور حیواناتشان داشته‌اند و این در حالی است که در حضور همسرانشان این آزمایش شوندگان شدیدترین واکنش‌ها را از خود نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد در این میان، احساسات مثبتی که این حیوانات از خود نشان می‌دهند دلیل به وجود آمدن این واکنش‌های آرامش بخش در میان صاحبانشان باشد (15). نتایج حاصل از آزمایشات انجام گرفته توسط آلن، بلاسکوویچ، توماکا و کلسی نشان داده است که در صورت وجود یک حیوان خانگی در کنار شخص، واکنش‌های غیر ارادی وی کاهش می‌یابد. نویسندگان این مقاله چنین نتیجه گرفتند که حیوانات خانگی، حمایت اجتماعی غیر نقادانه‌ای را برای شخص فراهم می‌آورند که این حمایت اجتماعی می‌تواند جلوی واکنش شدید شخص در موقعیت‌های استرس‌زا را بگیرد. آنها همچنین پیش‌بینی می‌کنند که این حیوانات باعث ترغیب احساسات مثبت در شخص می‌شوند که این موضوع می‌تواند باعث بالا رفتن قابلیت شخص در پذیرش استرس گردد (16). همچنین وجود حیوانات خانگی در زندگی افراد باعث شکل‌گیری چندین مزیت اجتماعی در آنها خواهد شد از قبیل؛ پیشنهاد مصاحبت با افراد، کاهش تنهایی، فراهم آوردن احساس امنیت خودمانی بودن، اطمینان خاطر و گرایش به سوی واقعیت، ایجاد این احساس در شخص که به او نیاز دارند و بهبود روابط متقابل و نیز مکالمات شخص با دیگران (17). در شرایطی که یک حیوان، حتی یک حیوان ناشناخته، در موقعیت حضور داشت اما از آزمایش‌شونده خواسته شده بود که به آن حیوان توجه نکند، کاهش کوتاه مدت آشفتگی‌های فیزیولوژیکی، هیجانی و نیز کاهش افسردگی در بین آزمایش‌شوندگان مشاهده شد (18). پارسلو، جرم، کریستنسن، راجرز و جاکومب بیان می‌دارند که صاحبان حیوانات خانگی نسبت به کسانی که فاقد این حیوانات هستند از ثبات هیجانی بالاتری برخوردارند (19). در مطالعه‌ای که توسط بانک و بانک انجام گرفت نشان داده شد که افراد مقیم خانه‌های سالمندان پس از این که وقت خود را با یک حیوان خانگی

شده است که بین مشاهده حیوانات و احساس راحتی و آسایش رابطه‌ای مثبت وجود دارد (27-29).

عوامل متعددی از قبیل عوامل قومی، نگرش‌های شخصی فرد نسبت به یک حیوان، میزان وابستگی شخص به آن حیوان، نژاد و نسل آن حیوان همگی از عواملی هستند که می‌توانند بر روی میزان اثرگذاری روابط بین انسان و حیوان و بر روی سلامت انسان تأثیر گذار باشد (30).

در بسیاری از کشورها، وجود حیوانات خانگی در محیط خانه امری کاملاً عادی است. در کشور ما نیز افراد یا خانواده‌های هستند که از حیوانات خانگی نگهداری می‌کنند. پژوهش‌ها و مطالعات بسیاری در زمینه آثار و پیامدهای نگهداری حیوان خانگی بر وضعیت فیزیکی افراد و همچنین انتقال بیماری از حیوان به انسان صورت گرفته است، اما در زمینه پیامدهای روانی نگهداری حیوانات و تأثیری که روی عملکرد خانواده و سلامت روانی افراد می‌گذارند، مطالعات زیادی انجام نشده است. علاوه بر این چنین مطالعه‌ای در جامعه ایرانی کمتر و در شهر اصفهان صورت نپذیرفته است و اگرچه ممکن است به دلایل فرهنگی زمینه‌های منفی در رابطه با داشتن حیوان خانگی وجود داشته باشد اما محققین به این پژوهش‌های مخالف دسترسی نداشته‌اند. بر این اساس هدف از این پژوهش مقایسه حیطه‌های مختلف عملکرد خانواده و سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در شهر اصفهان بود.

### مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در این پژوهش، مورد-شاهدی بود که در جریان آن، به مقایسه عملکرد خانواده و وضعیت سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی، پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مردم ساکن شهر اصفهان در مناطق یازده گانه این شهر تشکیل می‌داد. حجم نمونه مورد پژوهش در این تحقیق را 152 نفر (80 نفر دارای حیوان خانگی و 72 نفر بدون حیوان خانگی) از مردم شهر اصفهان تشکیل می‌دادند که به شیوه

گذراندند احساس تنهایی کمتری نسبت به قبل داشتند (20). همچنین مطالعات نشان می‌دهد افرادی که دچار زوال عقل می‌باشند وجود یک حیوان خانگی در کنار آنها می‌تواند باعث بهبود سطح اجتماع پذیری و نیز مهارت‌های محاوره‌ای در آنها گردد و در نتیجه سطح اضطراب، آشفتگی و دیگر مشکلات رفتاری در این بیماران پائین می‌آید (21). مرور تحقیقات انجام گرفته توسط ولز به وضوح نشان داده است که داشتن یک حیوان دست آموز می‌تواند نتایج مثبت بسیار زیادی داشته باشد از جمله؛ افزایش فعالیت‌های بدنی به خاطر پیاده روی، رضایتمندی بیشتر شخص از موقعیت اجتماعی و وضعیت احساسی و جسمی خود (22)، تحمل پذیری بیشتر شخص در برابر فشارهای روان‌شناختی (15)، افزایش تعاملات اجتماعی (23) و مشارکت پذیری بیشتر شخص در کارهای جمعی (24) و بالاخره طبق گفته بعضی از صاحبان حیوانات خانگی، داشتن یک حیوان دست آموز می‌تواند باعث شکل‌گیری نوعی روزمرگی شود و میزان فعالیت جسمانی افراد را بالا می‌برد (8، 25).

منافع جسمانی یا فیزیکی حاصل از داشتن حیوانات خانگی به تأثیر این حیوانات در افزایش فعالیت‌های فیزیکی فرد و کاهش برانگیختگی سیستم عصبی مربوط به همدردی مربوط می‌شود. منافع ذهنی حاصل از وجود این حیوانات در زندگی را نیز می‌توان به افزایش حمایت اجتماعی، اعتماد به نفس و حرکات بدنی و نیز کاهش تنهایی و سطوح هیجانی نسبت داد (26).

این موضوع به اثبات رسیده است که نگاه کردن به حیوانات و یا تصاویر آنها و یا حضور داشتن در کنار حیوانات، لمس کردن و تعامل داشتن با آنها، همه می‌توانند تأثیرات خاصی بر روی سلامت شخص داشته باشد. نگاه کردن به حیوانات می‌تواند تأثیر مثبتی بر روی ادراکات و خلیات فرد داشته باشد. در صحنه‌های مصور نیز به نظر می‌رسد که وقتی حیوانات در این صحنه‌ها در کنار انسان قرار می‌گیرند، انسان‌ها شادتر و دوستانه‌تر هستند و کمتر تهدید آمیز می‌باشند. علاوه بر این در چندین مطالعه مشاهده

های پرسش‌نامه سلامت عمومی با ارزیابی بالینی را به ترتیب برابر با 86 درصد، 77 درصد و 0/70 گزارش کرد (32). پالاهنگ، نصر، براهنی و شاه محمدی نیز، حساسیت و ویژگی این آزمون را در گروه مردان به ترتیب 88 و 78 درصد و برای زنان به ترتیب 88 و 79 درصد گزارش کرده است (33).

ابزار سنجش عملکرد خانواده (FAD):

ابزار سنجش عملکرد خانواده (Family Assessment Device) یک مقیاس 60 سوالی است که توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ به منظور سنجش عملکرد خانواده براساس الگوی مک مستر ارائه شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد (34).

فرم اولیه این آزمون دارای 53 سوال بود. اما در تجدیدنظرهای بعدی و براساس مطالعات صورت گرفته، تعداد سوالات آن به 60 افزایش یافت. این سوالات در قالب 7 خرده مقیاس شامل حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی نمره‌گذاری می‌شوند. به هر یک از سوالات این مقیاس در قالب طیف لیکرت 4 گزینه‌ای (شامل کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم) نمره‌ای بین 1 تا 4 داده می‌شود. چن و همکاران ضرایب آلفای کرونباخ بین 0/29 تا 0/74 را برای آن در اجرا بر یک نمونه 313 نفره از کودکان بستری در بیمارستان‌های چین به دست آوردند. بیهم، وامبولت، گاوین و امبولت با اجرای (FAD) بر یک نمونه 194 نفر از نوجوانان دارای آسم، ضرایب پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین 0/48 تا 0/79 به دست آوردند (35).

پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت شناختی:

این پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد که با توجه به اهداف تحقیق در 9 سؤال طراحی شده است و اطلاعاتی در زمینه ویژگی‌های جمعیت شناختی مربوط به سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، نوع حیوان، سلامت حیوان

تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه پژوهش از بین مناطق شهر اصفهان سه منطقه به طور تصادفی انتخاب شد. در این سه منطقه، سه کلینیک دامپزشکی انتخاب گردید و افراد دارای حیوان خانگی از مراجعین به این کلینیک انتخاب شدند. افراد عادی نیز از همان مناطق انتخاب شدند و تلاش گردید از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی شبیه افراد دارای حیوان خانگی باشند. در این پژوهش رضایت آگاهانه از افراد شرکت کننده در مطالعه بعد از توضیح اهداف و روش مطالعه کسب گردید. شرکت در مطالعه برای شرکت کنندگان اختیاری بود و به منظور بالا بردن اطمینان و حس اعتماد آنها پرسش‌نامه‌ها فاقد نام بودند. تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل کوواریانس که در آن متغیرهای جمعیت شناختی کنترل گردید، انجام گرفت.

پرسش‌نامه سلامت عمومی (GHQ-28):

پرسش‌نامه 28 سوالی سلامت عمومی (General Health Questionnaire) که توسط گلدبرگ و هیلر (1979) طراحی شده است. تحلیل عاملی این پرسش‌نامه نشان دهنده 4 زیر مقیاس بوده که هر زیر مقیاس 7 سؤال را در بر می‌گیرد. این خرده مقیاس‌ها شامل نشانه‌های جسمانی، اضطرابی و اختلال خواب، افسردگی و اختلال در عملکرد اجتماعی می‌باشد. تمام گویه‌های آن چهار گزینه‌ای و روش نمره‌گذاری آن بر حسب طیف لیکرت می‌باشد. همچنین نمره برش این پرسش‌نامه 23 می‌باشد. تحقیقات قبلی، اعتبار و پایایی پرسش‌نامه را بالا گزارش کرده‌اند. طبق این مطالعات حساسیت (Sensitivity) و ویژگی (specify) این آزمون به ترتیب بین 83 تا 89 درصد و 76 تا 82 درصد و همچنین ضریب پایایی آن بین 0/88 تا 0/91 بوده است (31). گلدبرگ و ویلیامز روایی این پرسش‌نامه را با مصاحبه بالینی 0/80 گزارش کرد. گلدبرگ همبستگی بین نمره‌های پرسش‌نامه سلامت عمومی و فهرست علائم روانی (SCL-90) را 0/78 گزارش کرد. همچنین به حساسیت، ویژگی و ضریب همبستگی بین نمره

و مدت زمان نگهداری از حیوان را مورد سنجش قرار می‌دهد.

### یافته‌ها

از مجموع 152 شرکت کننده مورد بررسی 53/9 درصد مرد و 49/1 درصد زن بودند. همچنین 49 درصد مجرد، 47/1 متأهل، 3 درصد مطلقه و 1 درصد متارکه کرده بودند. از نظر سطح اقتصادی-اجتماعی 2 درصد ضعیف، 30/4 متوسط، 60/8 درصد خوب و 6/9 درصد بسیار خوب بودند. از نظر سطح تحصیلات، 2 درصد ابتدائی، 6/9 درصد سیکل، 26/5 درصد دیپلم، 15/7 درصد فوق دیپلم، 37/3 درصد لیسانس، 9/7 درصد فوق لیسانس و 1/9 درصد دکتری بودند.

در گروه افراد دارای حیوان خانگی 16/4 درصد دارای گربه، 34/8 درصد دارای سگ، 35/7 درصد سایر

حیوانات را نگهداری می‌کردند. 9/5 درصد سلامت حیوان خود را متوسط، 47/2 درصد سلامت حیوان خود را خوب و 43/3 درصد سلامت حیوان خود را عالی ارزیابی می‌کردند. علاوه بر این مدت زمان نگهداری از حیوان خانگی در 38/5 درصد کمتر از 2 سال، 31/6 درصد بین 3 تا 5 سال، 9/5 درصد بین 6 تا 8 سال، 7/7 درصد بین 9 تا 11 سال و 12/7 درصد بیش از 12 سال بود.

همان‌طور که در جدول 1 ملاحظه می‌شود میانگین کل سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی 80/20 و در افراد بدون حیوان خانگی 21/89 است. همچنین، میانگین کل عملکرد خانواده در افراد دارای حیوان خانگی 130/46 و در افراد بدون حیوان خانگی 132/13 است.

جدول 1. میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی‌ها بر حسب عضویت گروهی در متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده مقیاس	دارای حیوان خانگی		بدون حیوان خانگی	
		تعداد	میانگین	تعداد	میانگین
سلامت روان	علائم جسمانی	80	4/83	72	5/53
	اضطراب و اختلال خواب	80	5/98	72	6/43
	اختلال در عملکرد اجتماعی	80	6/35	72	3/36
	علائم افسردگی	80	3/63	72	3/02
	سلامت عمومی کل	80	20/80	72	21/89
	عملکرد کلی	80	42/71	72	42/54
	حل مسئله	80	22/03	72	22/38
	ارتباط	80	21/73	72	20/99
	عملکرد خانواده	80	7/00	72	7/12
	کنترل رفتار	80	11/56	72	10/94
نقش‌ها	نقش‌ها	80	22/20	72	22/64
	آمیزش عاطفی	80	27/09	72	26/46
	نمره کل عملکرد خانواده	80	132/13	72	130/46

وجود دارد ( $p < 0/01$ ). میزان تفاوت نشان داد که عضویت گروهی 15 درصد تفاوت در نمرات متغیرهای وابسته را (شامل سلامت عمومی و زیر مقیاس‌های آن و عملکرد خانواده و زیر مقیاس‌های آن) تبیین می‌کرد. توان آماری 96/4 درصدی هم حاکی از دقت آماری بالای این آزمون است (جدول 2).

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که در مجموع از بین متغیرهای کنترل شده، رابطه 28/8 درصدی سن و رابطه 24/8 درصدی وضعیت تأهل با متغیرهای وابسته معنی‌دار بود ( $p < 0/01$ ). با کنترل این رابطه و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی، مشخص گردید که در مجموع تفاوت معنی‌داری بین آزمودنی‌ها بر حسب عضویت گروهی آنها

جدول 2. تحلیل واریانس چند متغیره با هدف مقایسه افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در متغیرهای پژوهش

منبع تغییرات	ضریب لامبدای ویلکز	F	درجه آزادی فرض شده	درجه آزادی خطا	معنی داری	میزان تفاوت	توان آماری
سن	0/71	4/12	5	133	0/000	0/28	0/99
تحصیلات	0/87	1/42	5	133	0/182	0/12	0/68
تعداد اعضای خانواده	0/89	1/24	5	133	0/271	0/10	0/61
وضعیت تأهل	0/75	3/37	5	133	0/001	0/24	0/98
وضعیت اجتماعی و اقتصادی	0/85	1/79	5	133	0/071	0/14	0/80
عضویت گروهی	0/85	3/91	5	133	0/001	0/150	0/964

نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که با کنترل رابطه متغیرهای جمعیت شناختی، تفاوت معنی داری بین زیر مقیاس علائم اضطرابی و اختلال خواب افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی وجود دارد و میزان این تفاوت برابر 8/9 درصد می باشد (جدول 3). میانگین های تعدیل شده دو گروه حاکی از آن بود که زیر مقیاس علائم اضطرابی و اختلال خواب افراد بدون حیوان خانگی بیشتر از افراد دارای حیوان خانگی بود. اما تفاوت معنی داری بین علائم جسمانی، اختلال در عملکرد اجتماعی، علائم افسردگی و سلامت عمومی کل در دو گروه وجود نداشت.

همچنین در میزان ارتباط و آمیزش عاطفی دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشت. با توجه به میانگین های تعدیل شده دو گروه می توان گفت افراد دارای حیوان خانگی دارای عملکرد پائین تری در خانواده در حیطه ارتباط و آمیزش عاطفی می باشند ( $p < 0/05$ ) و میزان این تفاوت به ترتیب برابر با 9/8 درصد و 10/8 درصد بود. توان آماری 76 درصدی برای اضطراب و اختلال خواب حاکی از دقت آماری خوب این آزمون و توان آماری 88 درصدی برای آمیزش عاطفی حاکی از دقت آماری بالا و مطلوب این آزمون می باشد (جدول 3).

جدول 3. نتایج تحلیل کوواریانس با هدف مقایسه آزمودنی ها بر حسب عضویت گروهی با کنترل متغیرهای فردی

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	معنی داری	میزان تفاوت	توان آماری
عضویت گروهی	علائم جسمانی	2/11	1	0/17	0/67	0/002	0/070
گروهی	اضطراب و اختلال خواب	45/76	1	9/26	0/03	0/089	0/759
	اختلال در عملکرد اجتماعی	8/76	1	0/57	0/45	0/005	0/117
	علائم افسردگی	2/01	1	0/14	0/70	0/001	0/067
	سلامت عمومی کل	17/70	1	0/84	0/36	0/008	0/149
	عملکرد کلی	10/50	1	0/31	0/57	0/003	0/086
	حل مسئله	0/74	1	0/08	0/77	0/001	0/059
	ارتباط	36/34	1	4/14	0/03	0/098	0/802
	همراهی عاطفی	1/89	1	0/67	0/41	0/006	0/129
	نقش ها	0/81	1	0/09	0/77	0/003	0/062
	کنترل رفتار	6/56	1	1/67	0/19	0/015	0/249
	آمیزش عاطفی	25/36	1	11/66	0/009	0/10	0/881
	نمره کل عملکرد خانواده	66/80	1	0/23	0/63	0/002	0/077

## بحث

که بین دو گروه دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی تفاوت معنی داری در خرده مقیاس های علائم اضطرابی و اختلال خواب، ارتباط و آمیزش عاطفی وجود دارد. لذا چنین نتیجه گرفته شد که افراد بدون حیوان خانگی،

هدف از این پژوهش مقایسه وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی بود. نتایج این پژوهش بیان گر آن بود



نشانه‌های اضطرابی و اختلال در خواب بیشتری دارند و افراد دارای حیوان خانگی در زیر مقیاس‌های ارتباط و درگیری عاطفی نسبت به افراد بدون حیوان خانگی مشکلات بیشتری دارند ( $p < 0/05$ ).

این نتایج با یافته‌های فریدمن (18)، هارت (27)، آلن، بلاسکوویچ و مندرس (15)، بان و مک کابی (21)، آلن (17)، پارسلو و همکاران (19)، کونل و همکاران (7) و ساترلند (13) همخوانی داشت.

به نظر می‌رسد تفاوت بین دو گروه دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در علائم اضطرابی و اختلال خواب ناشی از آن باشد که احتمالاً از آنجا که این حیوانات باعث ترغیب احساسات مثبت مثل افزایش احساس شادی و کاهش احساسات منفی در شخص می‌شوند و همچنین از آنجا که وجود حیوانات خانگی در زندگی افراد باعث کاهش تنهایی، فراهم آوردن احساس امنیت و اطمینان خاطر می‌شود سبب کاهش اضطراب و اختلال خواب می‌گردد.

علاوه بر این، احتمالاً افراد دارای حیوان خانگی از یک سو اوقات فراغت خود را با نگهداری از حیوانات خانگی سر می‌کنند که این امر خود مانع از آن می‌شود که برخی آسیب‌های ناشی از بطالت اوقات فراغت گریبان‌گیر آنان شود و این امر خود مانع از افزایش آسیب روانی آنان می‌شود که به تبع آن، اختلال خواب و اضطراب کمتری در آنان مشاهده می‌شود.

اما از سوی دیگر این احتمال هم وجود دارد که رسیدگی و نگهداری از حیوانات خانگی خود به عنوان یکی از فعالیت‌هایی است که شخص در مواقع نگرانی، دغدغه و بد خوابی به آنها روی می‌آورد و این امر به عنوان یک فعالیت مثبت از نگرانی‌ها و اضطراب آنان می‌کاهد و بر تنظیم خواب آنها تأثیر مثبت می‌گذارد.

البته از سوی دیگر می‌توان به این مسأله اشاره کرد که شاید در افراد دارای حیوان خانگی، نگهداری از حیوانات خانگی به عنوان یک شیوه مقابله با استرس عمل می‌کند که باعث می‌شود آنان در قبال تنش‌ها و چالش‌ها، خود را با حیوان دست‌آموز سرگرم می‌سازند و در واقع

سرگرم‌سازی خود به حیوانات خانگی به عنوان یک شیوه مقابله با استرس اجتنابی عمل می‌نماید که احتمالاً از آنجا که یک رویکرد اجتنابی مثبت است باعث کاهش سطح اضطراب آنان شده است.

سایر نتایج این پژوهش بیان‌گر آن بود که بین دو گروه دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی تفاوت معنی‌داری در حیطه‌های ارتباط و آمیزش عاطفی وجود دارد؛ به گونه‌ای که افراد دارای حیوان خانگی ارتباطات آشفته‌تر و آمیزش عاطفی کمتری را در رابطه با سایر اعضای خانواده خود تجربه می‌کنند. این نتایج با یافته‌های سیمون (11)، کوهن (5) و کورتیس، هالی و ولف (30) همخوانی دارد.

آشفته‌گی بیشتر در خانواده در حیطه ارتباط و آمیزش عاطفی در افراد دارای حیوانات خانگی هم می‌تواند متأثر از چند مسأله باشد، اول این که شاید این افراد به واسطه وقت بیشتری که با این حیوانات صرف می‌کنند، کمتر در محیط خانواده و تعاملات عاطفی بین اعضای خانواده خود را درگیر می‌کنند و لزوماً ارتباط چندانی هم با اعضای خانواده خود برقرار نمی‌نمایند.

دوم این که احتمالاً این افراد بنا به دلایل مختلف چالش‌های خاصی را در رابطه با خانواده خود و در تعامل عاطفی با اعضای خانواده خود تجربه می‌کنند و آنان به تبع این چالش‌ها، خود را با این حیوانات سرگرم می‌کنند و این چالش با خانواده به گرایش بیشتر به حیوانات خانگی می‌انجامد.

باید توجه داشت که بررسی تأثیر نگهداری حیوانات خانگی بر سلامت روان و بعضاً عملکرد خانواده در ایران تا حدودی هم می‌تواند متأثر از زمینه فرهنگی در جامعه ایرانی باشد. همه ما بخوبی می‌دانیم که تعالیم دینی اسلام بر حفظ حقوق حیوانات، نگهداری و عدم آزار و اذیت آنها اشاره دارد. از سوی دیگر برخی خانواده‌های ایرانی به طور سنتی علاقمند به نگهداری کبوتر هستند که البته افراط در این امر آسیب‌هایی را از جمله آزار و اذیت همسایگان به همراه داشته است. یا از سوی دیگر در مناطق

خانگی توصیه نمود که به کاهش اضطراب و افزایش احساس امنیت و آرامش در افراد کمک نماید.

### تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر با همکاری تعدادی از مراکز دامپزشکی و صاحبان حیوان خانگی شهر اصفهان انجام شد که به این وسیله از همکاری مراکز و افراد شرکت کننده تشکر و قدر دانی می‌گردد.

### منابع

1. Kadivar P, Eslami A, Farahani MN. The relationship of family performance with stress coping styles, and gender differences in prospective university students. *Journal of Psychology and Education*. 2003;34(2):97-123.
2. Hartman A. Family ties. *Social Work* 1990; 35(3):195-6.
3. American Veterinary Medical Association. Survey says: Owners taking good care of their pets[serial on the Internet]. 2001[cited 2000 Aug 15];104(4):[about 3 p.]. Available from: <http://www.avma.org/onlnews/javma/feb00/s020100d.asp>.
4. Gallup A. Cats and dog reign as pampered family members. *Gallup Poll Archives* 1996; Available from [http://198.175.140.8/POLL\\_ARCHIVES/961019.htm](http://198.175.140.8/POLL_ARCHIVES/961019.htm).
5. Cohen SP. Can pets function as family members? *Western Journal of Nursing Research*. 2002;24(6):621-638.
6. Friedmann E, Thomas SA. Pet ownership, social support, and one-year survival after acute myocardial infarction in the Cardiac Arrhythmia Suppression Trial (CAST)\* 1. *The American journal of cardiology*. 1995; 76(17): 1213-7.
7. Connell CM, Janevic MR, Solway E, McLaughlin SJ. Are Pets a Source of Support or Added Burden for Married Couples Facing Dementia? *Journal of Applied Gerontology*. 2007; 26(5):472-485.
8. Chur-Hansen A, Winefield H, Beckwith M. Reasons given by elderly men and women for not owning a pet, and the implications for

روستائی ایران نگهداری بعضی از انواع حیوانات خانگی امری بدیهی و حتی اقتصادی محسوب می‌گردد. همچنین ممکن است در ایران هم مانند دیگر جوامع از سگ به عنوان نگهبان خانه استفاده شود.

با توجه به این مسائل لازم به نظر می‌رسد که در مطالعات بعدی بر این ابعاد خاص نگهداری حیوانات در جامعه ایرانی توجه بیشتری مبذول شود، شاید بر خلاف انتظار اولیه افرادی که گرایش به نگهداری از کبوتر دارند در حیطه روابط بین فردی آسیب بیشتری را نشان دهند و یا تأثیر نگهداری حیوانات خانگی بر سلامت روان در مناطق روستائی با مناطق شهری متفاوت باشد.

علاوه بر این به نظر می‌رسد نگهداری حیوانات خانگی بر رشد اجتماعی کودکان نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد که البته در این مطالعه بدان پرداخته نشده است و می‌طلبد که در مطالعات بعدی به آن توجه شود. از سوی دیگر ارزیابی تیپ‌های شخصیتی با رابطه بین گرایش به نگهداری از حیوانات خانگی نیز پیشنهاد می‌شود که در مطالعات بعدی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی به بررسی سایر عوامل روان‌شناختی و تأثیری که این حیوانات بر روی زندگی صاحبان آنها می‌گذارند پرداخته شود.

پیدا کردن افراد دارای حیوان خانگی و همکاری آنها در این زمینه و بررسی نشدن نقش نوع حیوان خانگی نگهداری شده بر روی عملکرد خانواده و سلامت روان از جمله محدودیت‌های این تحقیق بود.

### نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که افراد بدون حیوان خانگی، علائم اضطرابی و اختلال در خواب بیشتری دارند و افراد دارای حیوان خانگی در زیر مقیاس‌های ارتباط و درگیری عاطفی نسبت به افراد بدون حیوان خانگی مشکلات بیشتری را نشان می‌دهند. با توجه به نتایج ذکر شده باید به عوامل فرهنگی در داشتن یا نداشتن حیوان خانگی بیشتر توجه کرد و در موقعیت‌هایی به داشتن حیوان

- clinical practice and research. *Journal of Health Psychology*. 2008;13(8):988-95.
9. Raveis VH, Mesagno F, Karus D, Gorey E. Pet ownership as a protective factor supporting the emotional well-being of cancer patients and their family members. Memorial Sloan-Kettering Cancer Center, Department of Social Work Research Unit (mimeograph). 1993.
  10. Horn JC, Meer J. The pleasure of their company: A report on psychology today's survey on pets and people. *Psychology Today*. 1984; 52-67.
  11. Simon LJ. The pet trap: Negative effects of pet ownership on families and individuals. Minneapolis: Center to Study Human-Animal Relationships and Environments. 1984; 226-240.
  12. People H. Office of Disease Prevention and Health Promotion, US Department of Health and Human Services. Retrieved on January.27:2006.
  13. Southerland EM. A study of the effects of pet ownership on mental health among community-dwelling senior citizens in northeast Tennessee. 2007.
  14. Argus Institute for Families and Veterinary Medicine. Highlights from the history of the human-animal bond in veterinary medicine. Retrieved October 30, 2005, from Colorado State University 2002. Available from <http://www.argusinstitute.colostate.edu/history.htm>
  15. Allen K, Blascovich J, Mendes WB. Cardiovascular reactivity and the presence of pets, friends, and spouses: the truth about cats and dogs. *Psychosomatic Medicine*. 2002;64(5):727-39.
  16. Allen KM, Blascovich J, Tomaka J, Kelsey RM. Presence of human friends and pet dogs as moderators of autonomic responses to stress in women. *Journal of personality and social psychology*. 1991;61(4):582-9.
  17. Allen K. Are pets a healthy pleasure? The influence of pets on blood pressure. *Current Directions in Psychological Science*. 2003;12(6):236-9.
  18. Friedmann E. The animal-human bond: Health and wellness. *Handbook on Animal-Assisted Therapy: theoretical foundations and guidelines for practice*. 2000;41-58.
  19. Jorm R, Rodgers HCB, Jacomb P. Pet ownership and health in older adults: Findings from a survey of 2,551 community-based Australians aged 60-64. *Gerontology*. 2005; 51: 40-7.
  20. Banks MR, Banks WA. The effects of group and individual animal-assisted therapy on loneliness in residents of long-term care facilities. *Anthrozoos: A Multidisciplinary Journal of The Interactions of People & Animals*. 2005; 18(4):396-408.
  21. Baun MM, McCabe BW. Companion animals and persons with dementia of the Alzheimer's Type: therapeutic possibilities. *American Behavioral Scientist*. 2003;47(1):42-51.
  22. Wells DL. Domestic dogs and human health: An overview. *British journal of health psychology*. 2007;12(1):145-56.
  23. McNicholas J, Collis GM. Dogs as catalysts for social interactions: Robustness of the effect. *British Journal of Psychology*. 2000;91(1):61-70.
  24. Wood L, Giles-Corti B, Bulsara M. The pet connection: Pets as a conduit for social capital? *Social Science & Medicine*. 2005;61(6):1159-73.
  25. Thorpe RJ, Simonsick EM, Brach JS, Ayonayon H, Satterfield S, Harris TB, et al. Dog ownership, walking behavior, and maintained mobility in late life. *Journal of the American Geriatrics Society*. 2006;54(9):1419-24.
  26. Jennings LB. Potential benefits of pet ownership in health promotion. *Journal of Holistic Nursing*. 1997;15(4):358-72.
  27. Hart LA. Psychosocial benefits of animal companionship. *Handbook on animal-assisted therapy: Theoretical foundations and guidelines for practice*. 2000;(6):59-78.
  28. Katcher A, Segal H, Beck A. Contemplation of an aquarium for the reduction of anxiety. In *The pet connection: Its influence on our health and quality of life*. Minneapolis, MN: Center to Study Human-Animal Relationships and Environments. 1983; (4): 171-8.
  29. Katcher AH, Friedmann E, Beck AM, Lynch JJ. Looking, talking and blood pressure: The physiological consequences of interaction with the living environment. *New perspectives*

- on our lives with companion animals. 1983; (6): 351-60.
30. Curtiss C, Holley LC, Wolf S. The animal-human bond and ethnic diversity. *Social Work*. 2006;(51):257-68.
31. Keshavarz A, Mehrabi, HA, Soltanizadeh M. The relationship between coping with stress, religious attitudes, demographic characteristics, and mental health of college students in Shiraz University Proceeding of 4<sup>th</sup> seminars on mental health of students; 2007.
32. Ehsanmanesh M. Epidemiology of mental disorders in Iran: A review of some studies. *Andishe va Raftar*. 2000;(4):54-69.
33. Palahang H, Nasr M, Barahani MN, Shahmoradi D. Epidmiology of mental disorder in Kashan. *Andisheh va Raftar*. 1996;(4):19-27.
34. Sanaee B. Family assessment scales and marriage. Tehran: Beesat. 2000.
35. Rahmatollahi F. A comparision of Family performance in Khorshid Hospital in Isfahan. Psychiatric doctoral dissertation in Isfahan Medical Sciences University 2007.